



# «دانشکده»؛ مجله‌ای که در یک انجمن ادبی متولد شد

ناصرالدین پروین



شماره ۶۷  
پاییز ۱۳۸۸

در تهران، به سال ۱۳۹۵ش، انجمنی ادبی به نام «جرگه دانشوری» بر پا شد که پس از چندی «دانشکده» نام گرفت و ارگان ماهانه‌اش، از اردیبهشت ۱۳۹۷ تا اردیبهشت سال بعد با ۱۲ شماره در ۱۰ مجلد، با همان نام «دانشکده» به چاپ رسید.

محمدتقی بهار، صاحب امتیاز و مدیر این مجله بود و همو ریاست انجمن ادبی دانشکده را نیز بر عهده داشت. در سرلوحه دانشکده اشاره می‌کردند که مجله «در تحت نظر هیئت موسسه دانشکده منتشر می‌شود». با دانشکده، شمار بزرگی از شاعران و پژوهشگران و نویسندگان و مترجمان ساکن پایتخت همکاری کرده‌اند.

در سرلوحه دانشکده، این مجله «ادبی، اجتماعی، اخلاقی، فلسفی و تاریخی» معرفی شده است. بهار، در شماره نخست، زیر عنوان «مرام ما» نوشت که: «دانشکده برای ترویج روح ادبی و تعیین خط مشی جدیدی در ادبیات ایران ایجاد می‌شود...» موافق احتیاجات فعلی هیئت اجتماعی، مطابق محیطی که ما را تکمیل خواهد نمود، یک تجدید آرام و نرم و نرمی را اصل مرام خود ساخته ایم و به جای آنکه «تجدد را تیشه عمارت تاریخی پدران شاعر و نیاکان ادیب خود قرار» دهیم «فعلاً آن‌ها را مرمت نموده و در پهلوی آن عمارات، به ریختن بنیان‌های نوآیین تری که با سیر تکامل، دیوارها و جزوهایش بالا می‌روند» خواهیم پرداخت.

در این مقاله، مجله دانشکده «دارای یک روح جوان و فکر آزاد متجدد» خواننده شده است و ناشرانش بر دوری از «مناقشات سیاسی و تفنناتی که بر روی مدح یا هجو این و آن معمول به تجار و دلالان ادبی و سیاسی است» تاکید کرده اند.

چنان که از مقاله آغازین اشاره شده نیز برمی‌آید بهار و همکاران او در نوگرایی دلیر نبودند. این رویه مورد انتقاد نویسندگان نوگرای روزنامه «تجدد» چاپ تبریز قرار گرفت. میان دو نشریه برخوردهای قلمی پدید آمد تا آنجا که تقی رفعت، سردبیر تجدید نوشت: «عزیز من! کلاه سرخ ویکتور هوگو را در سر قاموس دانشکده مجوی. توفانی در ته دوات نوجوانان تهران است که هنوز برنخاسته است».

ملک‌الشعراى بهار، خود معتقد بود که با انتشار «دانشکده»، مکتب تازه‌ای در نظم و نثر به وجود آمد و غالب رجال بزرگ ادب که مایه افتخار ایرانند، با آن همکاری کردند همان گونه که یکی از محققان نیز یادآور شده است: «مهم‌ترین توفیق دانشکده، انتشار مقالات تحقیقی و نقدهای ادبی آن است...» که قطعاً موجد تجدیدی در نحوه سنجش و نقد ادبیات قدیم شد.

علاوه بر این مقاله‌ها، ترجمه‌هایی هم به صورت سرگذشت بزرگان ادب اروپا و شعر و داستان اروپایی به چاپ می‌رسید. از آن جمله است «سرود بالشویک» که به عنوان ادبیات روسی در شماره دوم درج شده است. به این ترجمه‌ها، باید رمان «سلطنت» اثر «الکساندر دوما» با ترجمه عبدالحسین تیمورتاش را افزود که به ضمیمه مجله چاپ می‌شد و بخش بزرگ دو شماره توامان ۱۱ و ۱۲ به آن اختصاص یافت تا داستان به پایان رسیده باشد.

محتوای دانشکده، منحصر به ادب و تاریخ نبود در بخش «رنگارنگ»، به موضوع‌هایی هم چون «دفع مگس و مضرات آن»، «حب مفید بر ضد سوءهضم»، «فیروزه» و «اختراع قند و شکر» پرداخته‌اند. افزون بر این، در بخشی با نام «خواطر و آراء» سخنان کوتاهی نقل می‌شد. این بخش، در شماره‌های ۳ و ۴ به نوشته‌های ملک‌الشعراى بهار در روزنامه نوبهار اختصاص یافته است و رنگ سیاسی نیز دارد. قصیده معروف بشار الشکوی به مطلع: «تا بر زبر ری است جولانم» که در شماره چهارم (شهریور ۱۲۹۷) درباره توقیف نوبهار به چاپ رسید، علاوه بر جنبه ادبی، اعتراض سیاسی شاعر و مدیر مجله دانشکده را نیز بازتاب داده است.

دانشکده به نظرهایی که در باره محتوای آن در دیگر روزنامه‌ها و مجله‌ها انتشار مییافت، حساس بود و بدان‌ها پاسخ می‌داد، اما ستون «صندوق پست» برای بازتاب نظرهای خوانندگان تنها در شماره هفتم دیده می‌شود.

پشت جلد دانشکده ساده بود و در آن نام مجله به خط نستعلیق و ویژگی‌ها آمده است. در صفحه دوم هم، سرلوحه‌ی حاوی نام به همان خط و شماره و تاریخ انتشار، چاپ می‌شد.

دانشکده را مطبوعه طهران در یک ستون به اندازه ۲۰×۱۴ چاپ می‌کرد. شمار صفحه‌های مجله، از ۲۴ تا ۵۶ بود، ولی باید شمار صفحه‌های رمان «سلطنت» را که جداگانه چاپ کرده و به همراه مجله به خوانندگان می‌دادند، بر این رقم‌ها افزود. بدین ترتیب میانگین شمار صفحه‌های دانشکده، ۵۸ بوده است. در هیچ یک از شماره‌های این نشریه، تصویر دیده نمی‌شود.

نشانی دانشکده در چهار شماره نخست با دفتر روزنامه نوبهار یکی بود؛ از آن پس، هم‌چنان که مدتی دفتر روزنامه نیم رسمی ایران به دفتر نوبهار منتقل شد، گویا برای آسان‌تر کردن مدیر مجله که مدیریت ایران را نیز برعهده گرفته بود، نشانی روزنامه‌های اخیر را به عنوان نشانی دانشکده اعلام کردند. شاید از این روست که محیط طباطبایی نوشته است بهار «با کمک مالی دولت مجله دانشکده را تاسیس کرد» و «از آنجا که امکانات روزنامه نیمه رسمی ایران که در اختیار مجله بود، با واگذاردن روزنامه به دیگری، مجله هم تعطیل شد». من مدرکی که این ادعا را ثابت کند نیافتم و در گزارش‌های مالی مشروح مربوط به روزنامه ایران نیز، هیچ‌گونه اشاره‌ی به دانشکده نشده است. شاید بهار بخشی از حقوق ماهانه خود را از ایران، به انتشار دانشکده اختصاص می‌داده و پس از قطع آن حقوق، مجله را برچیده است. سال‌ها بعد، خود او در جایی به «هزار تومان خسارت مجله» اشاره کرده است.

از شمارگان دانشکده ناآگاهییم. در تقاضای امتیاز، آن را هزار نسخه اعلام کرده بودند. در شماره پنجم نوشتند که «این مجله به اندازه مشترکین چاپ شده و برای کلکسیون آاره نیز عده معینی ذخیره می‌شود و یک شماره هم زیاد نمی‌آید»؛ با این حال، دانشکده تکفروشی نیز می‌شد و بهای هر نسخه آن دوقران بود. برای اشتراک سالانه هم سی‌قران مطالبه می‌شد. با آنکه در شماره پنجم اعلام داشتند که دانشکده آگهی خواهد پذیرفت، در دوره یک ساله آن آگهی دیده نمی‌شود. دوره‌های کامل و ناقص دانشکده، در اکثر کتابخانه‌های معتبر ایران و برخی از مراکز ایران شناسی بیرون از کشور موجود است؛ دوره کامل آن نیز، به استثنای بخش «رمان سلطنت» مربوط به شماره نخست، به دست فرزند مؤسس آن به چاپ رسیده است.

محتوای دانشکده، منحصر به ادب و تاریخ نبود. در بخش «رنگارنگ»، به موضوع‌هایی هم چون «دفع مگس و مضرات آن»، «حب مفید بر ضد سوءهضم»، «فیروزه» و «اختراع قند و شکر» پرداخته‌اند.



شماره ۶۷  
پاییز ۱۳۸۸